

حَدَّثَنَا
الْحَمْدُ لِلَّهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ

آزنان، ساده، شیرین

مجموعه ایده‌های فعالیت‌های اجتماعی جدید
و خلاق در محله ویژه گروه سازان محلی



عنوان کتاب: ارزان، ساده، شیرین
نویسنده: حسین یحیائی
بامشارکت علمی: هادی حبیب‌اللهی، امید صالحی، داود صادقی
مرکز پخش: سایت نهضت اجتماعی جوانان
کپی برداری و انتشار با هر سبکی مجاز می باشد.

انتشار ۱۴۰۴

n e h z a t i . i r

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه: با یک فنجان چای شروع کن.....
۱۱.....	یک کیف ابزار، نه یک کتاب تئوری.....
۱۳.....	معجزه در دستان آدم‌های معمولی.....
۱۵.....	جرقه‌های کوچک، آتش‌های بزرگ.....
۱۷.....	سلاح شما: مهربانی و ارادهٔ جمعی.....
۱۹.....	این کتاب برای چه کسانی نیست؟.....
۲۰.....	چرا «ارزان، ساده و شیرین»؟.....
۲۱.....	مراقب باشید.....
۲۲.....	این کتاب را چگونه بخوانید؟.....
۲۵.....	فصل اول: قدرت گروه‌های کوچک.....
۲۷.....	بخش اول: من برای محله، محله برای زندگی.....
۴۲.....	بخش دوم: قدرت «ما»؛ گنجی در دل همسایگی.....
۵۰.....	بخش سوم: گروه‌سازی، قلب تپندهٔ حرکت.....

فصل دوم: خیریه‌های خلاق، گروهی و مؤثر.....	۵۷
بخش اول: خیریه‌های دانش‌آموزی و آموزشی.....	۵۹
بخش دوم: خیریه «مهر بزرگان» (ویژه کمک به سالمندان و افراد کم‌توان).....	۶۶
بخش سوم: خیریه تخصصی «فرزندان من» (حمایت از کودکان کار).....	۷۳
بخش چهارم: خیریه‌های محیط‌زیستی.....	۷۹
فصل سوم: مقابله با آسیب‌های اجتماعی.....	۸۵
بخش اول: پیشگیری از اعتیاد.....	۸۷
بخش دوم: کاهش طلاق عاطفی.....	۹۳
بخش سوم: توانمندسازی زنان آسیب‌دیده.....	۹۶
چرا این ایده‌ها عملی هستند؟.....	۹۸
فصل چهارم: کمک‌های خلاقانه به کشاورزان و دامداران.....	۱۰۱
نبض زندگی در دستان ما.....	۱۰۳
بخش اول: کاهش ضایعات کشاورزی.....	۱۰۴
بخش دوم: بازاریابی هوشمند محصولات.....	۱۱۲
بخش سوم: فناوری‌های ساده برای کشاورزی.....	۱۱۳
بخش چهارم: حمایت از دامداران.....	۱۱۵

فصل پنجم: کسب و کارهای ارزان، خلاق و گروهی	۱۱۹
بخش اول: کسب و کارهای خدماتی محله محور	۱۲۱
بخش دوم: کسب و کارهای هنری و خلاقانه	۱۲۴
بخش سوم: کسب و کارهای دیجیتال بدون نیاز به تخصص	۱۲۶
بخش چهارم: کسب و کارهای بازیافتی و سبز	۱۲۸
فصل ششم: گروه های قرض الحسنه	۱۳۱
بخش اول: قرض الحسنه های تولیدمحور	۱۳۳
بخش دوم: قرض الحسنه های تخصصی و حمایتی	۱۳۵



مقدمه

بایک فنجان چای شروع کن

کاوشی در قدرت پنهان آدم‌های معمولی و اثبات اینکه معجزه‌های بزرگ از
جمع‌های کوچک آغاز می‌شوند.

به نام خدا

«خداوند هیچ کس را بیش از توانش تکلیف نکرده است.»

یک کیف ابزار، نه یک کتاب تئوری

این نوشته، کیف ابزار ترغیب‌کنندگان اجتماعی همراه با ایده‌های ساده، کم‌هزینه و کاربردی است که هر فردی، از کودک تا کهنسال، می‌تواند آن ایده‌ها را اجرا کند. هدف ما این است که جریان‌های گروه‌ساز در محله بتوانند با دستی پر برای به‌میدان‌آوری مردم تلاش کنند و با کمترین منابع، بیشترین تأثیر مثبت را در جامعه بگذارند.

واقعاً این‌طور است که می‌شود دنیا را با یک فنجان چای و چند دوست تغییر داد!

در حال خواندن این خط‌ها هستید؛ تصور کنید یک فنجان چای گرم در دستتان است و همین حالا، دورهمی کوچکی با دوستانتان دارید. شما باید کاری کنید تا آن‌ها را برای انجام یک کار اجتماعی و عام‌المنفعه دعوت کنید.

آیا می‌دانید از کجا شروع کنید؟ این نوشته، همان فنجان چای دوم است که جرئت شروع را به شما می‌دهد. نه پول، نه سیاست، نه تئوری‌های خشک؛ اینجا فقط آزمون و خطاهای واقعی وجود دارد.

هر ایده، از دل تجربه‌های گروه‌های کوچک در شهرها و روستاهای ایران بیرون آمده و هر حرفی که می‌خوانید، تجربه‌ای از شکست و پیروزی افرادی را در دل خود به امانت نگه داشته است.

مهم نیست اولین نقاشی دیواری شما کج باشد؛ مهم این است که دیوار، دیگر خاکستری نیست.

معجزه در دستان آدم‌های معمولی

دنیا پر است از آدم‌هایی که منتظرند یک معجزه اتفاق بیفتد، اما معجزه‌ها در لباس آدم‌های معمولی پنهان هستند؛ آدم‌هایی مثل شما و من که تصمیم می‌گیرند به جای انتظار، دست به کار شوند. الان نقشه گنجی در دست تو است؛ گنجی به نام «قدرت جمع‌های کوچک». شاید فکر کنید فعالیت اجتماعی یعنی تشکیل انجمن‌های رسمی، پرکردن فرم‌های بی‌پایان یا جذب بودجه‌های کلان. اما راستش را بخواهید، تغییر واقعی از کوچه پس‌کوچه‌ها شروع می‌شود؛ از همان جایی که همسایه‌ها دور هم جمع می‌شوند و به جای غُر زدن، برنامه‌ریزی می‌کنند و یکدیگر را به کار می‌گیرند. به راحتی می‌شود ثابت کرد همین دست‌های خالی، همین زمان محدود و همین آدم‌های دوروبرتان، می‌توانند معجزه‌هایی خلق کنند که ردپایش سال‌ها بماند.

«هرکس سنت حسنه‌ای را بنیان‌گذاری کند، تا زمانی که مردم از آن بهره می‌برند یا به آن عمل می‌کنند، فرد بنیان‌گذار از آن عمل سود و بهره می‌برد.»

اما مسئله این است: چه کسی داعی به خیر است؟ چه کسی راه را نشان می‌دهد؟ کار را برای خود سخت نکن و بهانه نیاور. شما قرار نیست «دنیا را نجات دهید»؛ قرار است «با آدم‌هایی که پیدا می‌کنید، محله خودتان را بسازید». همان محله‌ای که اندازه‌اش برای هر فرد فرق می‌کند؛ محله‌ای که در آن، یک دیوار خاکستری با نقاشی بچه‌های محل به گالری هنر تبدیل می‌شود.



جرقه‌های کوچک، آتش‌های بزرگ

گاهی دنیا آن قدر بزرگ و مشکلاتش آن قدر پیچیده به نظر می‌رسند که فکر می‌کنیم نقش ما تنها تماشا کردن است، اما تاریخ ثابت کرده است که **بزرگ‌ترین حرکت‌های اجتماعی و فرهنگی از جرقه‌های کوچک شروع شده‌اند.** گاهی یک جرقه کوچک، آتشی را روشن می‌کند که تاریکی قرن‌ها را از بین می‌برد. برای مثال، یک گروه سه نفره از دختران دانش‌آموز که با هم قرار می‌گذارند تابلویی با عنوان «با هم درس بخوانیم» را بر در خانه‌شان نصب کنند و یک مدرسه غیررسمی راه انداختند و به دانش‌آموزان هم‌سن خود کمک‌درسی ارائه می‌دهند.

یا گروهی از مادرها که هر هفته در پارک محله‌شان، کیسه‌های پارچه‌ای را جایگزین پلاستیک کرده و به کسانی که می‌خواستند نان بخرند، با قیمتی ارزان می‌فروشدند و با هزینه آن دوباره کیسه پارچه‌ای می‌دوزند تا به حذف پلاستیک کمک کنند.



سلاح شما: مهربانی و ارادهٔ جمعی

شاید بپرسید: «چه کاری از دست من برمی آید؟ من که نه پول دارم، نه قدرت!». اما حقیقت این است: مهربانی، خلاقیت و ارادهٔ جمعی، ارزان‌ترین و کارآمدترین ابزارهای تغییرند. روی سخن با شما است که می‌دانید از دستان پسران و دختران دانشجوی محله چه کارهایی برمی آید. شما که می‌دانید چگونه می‌شود با جوانان محله به مادران شهدای محله در فصل تابستان و زمستان کمک کرد؛ زمانی که برای سرویس کولر و بخاری خانه‌شان مستأصل می‌شوند و باید متحمل پرداخت قیمت‌های گزاف شوند. و می‌دانید اگر گروهی از نوجوانان با هم جمع شوند و یکشنبه‌ها زباله‌های جنگل را جمع کنند و بفروشند و با پولش یک صندوق قرض الحسنه راه بیندازند و به دانش‌آموزان مدرسهٔ خود وام تحصیلی یا شغلی بدهند، چه گره‌های بزرگ و کوچکی باز می‌شود.

اینجا خبری از فرمول‌های خشک یا شعارهای کلیشه‌ای نیست. هر ایده‌ای که می‌خوانید، قابل اجرا، ساده و مثل یک فنجان چای داغ، دلچسب است. بعضی از آن‌ها آن قدر کوچک‌اند که می‌توان همین فردا شروع کرد؛ اما سؤال تکراری ما این است که چه کسی باید این ایده‌ها را به گوش افراد برساند و به آن‌ها جرئت حرکت دهد؟

تغییر اجتماعی مثل کاشتن درخت است. نیازی نیست جنگل بسازید؛ همین که یک دانه را امروز بکارید، کافی است.

از خودتان بپرسید: ده سال بعد، دوست دارم فرزندانم در چه دنیایی زندگی کنند؟ کارهای کوچک مداوم، از کارهای بزرگ موقت اثرگذارترند. مهم این است که شروع کنید و ادامه دهید.

این کتاب برای چه کسانی نیست؟

- برای کسانی که منتظرند «یک روزی» همه چیز درست شود.
- برای کسانی که فکر می کنند تغییر باید از «بالا» بیاید.
- برای کسانی که اشتباهات کوچک را بهانه توقف می دانند.
- برای کسانی که باور ندارند یک قلب مهربان می تواند دنیایی را التیام بخشد.
- برای کسانی که به زندگی عادی خودشان عادت کرده اند و برایشان مهم نیست دیگران در چه شرایطی زندگی می کنند و او کلاه خودش را محکم می گیرد تا باد نبرد.

چرا «ارزان، ساده و شیرین»؟

چون می‌دانم شاید وقت زیادی نداشته باشید و یا با دیدن غصه‌های پیرامون خود، انگیزه‌تان را از دست داده باشید.

چون می‌دانم زندگی شلوغ است و حوصله پروژه‌های پیچیده را ندارید.

چون معتقدم تغییر دادن دنیا باید شادی‌آور باشد، نه خسته‌کننده.

پس:

۱. **ارزان:** هر ایده‌ای که می‌خوانید، قیمتش از یک بستنی هم کمتر است (حتی بعضی‌ها رایگان‌اند!).

۲. **ساده:** نیازی به مدرک دانشگاهی یا مهارت خاصی ندارید. فقط کافی است بخواهید.

۳. **شیرین:** طعم موفقیتِ جمعی، از هر شیرینی‌ای دلچسب‌تر است.

مراقب باشید

چرا گروه‌های کوچک؟ چون در جمع‌های کوچک، هر صدایی شنیده می‌شود. چون اشتباهات، کوچک‌اند و به‌جای ترسیدن، می‌توان به آن‌ها خندید، تجربه گرفت و اصلاح کرد.

چون وقتی پنج نفر دور هم جمع می‌شوید، انگار پنج ابرقدرت هستید: یکی ایده‌پرداز است، یکی ارتباطات خوبی دارد، یکی در طراحی با کامپیوتر مهارت دارد، یکی در جامعه آبرودار است و خیلی داشته‌های دیگر که حتی تا به حال آن‌ها را پیدا نکرده‌ایم.

مراقب باشید! چرا که خواندن این مطالب ممکن است باعث شود دیگر نتوانید از کنار افراد و مشکلات، بی‌تفاوت بگذرید.

ممکن است وسوسه شوید دوستانتان را ساعت ۱۱ شب صدا بزنید و بگویید: «فردا صبح می‌خواهم تو را ببینم. باید کاری را شروع کنیم. می‌خواهم با چند

تن از دوستان صمیمیت تماس بگیری تا با شما صحبت کنم. می‌خواهم شما را به تشکیل یک گروه دعوت کنم.»

این کتاب را چگونه بخوانید؟

با آن مثل یک نقشه گنج برخورد کنید: هر فصل، یک «نشانه» است که شما را به کار جمعی دعوت می‌کند. برخی ایده‌ها را دور بیندازید، برخی را عوض کنید و برخی را با جیغ و هلهله اجرا کنید!

پیش از شروع، بیایید یک بار امتحان کنیم:

۱. همین حالا به پنج نفر از دوستان خود فکر کنید که می دانید حاضرند به حرف های شما گوش دهند و توانایی و دغدغه محله را هم دارند.
۲. نام آن ها را بالای این صفحه بنویسید.

۳. قول دهید تا پایان کتاب، به حداقل یکی از آن ها پیامک بفرستید: «بیا، کارت دارم!».

یادتان باشد: تاریخ را نه سیاستمداران، که آدم های عادی می نویسند.
نکته: هر کاری که می کنید، کوچک شروع کنید، اما بزرگ فکر کنید.

جمله پایانی مقدمه برای مُهر تأیید:

همه چیز از یک سؤال ساده شروع می شود: «چرا من نه؟». حالا وقت آن است که جواب دهید: «اتفاقاً من هم، آره!».



فصل اول

قدرت گروه‌های کوچک

تغییر بزرگ، از گره خوردن دست‌های چند همسایه در یک کوچه آغاز می‌شود

بخش اول: من برای محله، محله برای زندگی

چگونه «غصه خورها» را پیدا کنیم؟

باید از محله تا تمدن حرکت کرد و این میدان سخت، نیاز به تعداد آدم‌های زیادی دارد. ما با این کتاب می‌خواهیم به شما کمک کنیم تا بتوانید برای غصه‌هایی که پیدا کرده‌اید و از آن‌ها اطلاع دارید، «غصه خور» پیدا کنید. لذا برای اینکه دغدغه‌مندی را در افراد تحریک کنید تا بپذیرند که باید آن‌ها هم در میدان مسائل محله و زندگی مردم کمک کنند، نکاتی را در کتاب «غصه خورها زیاد شن، غصه هامون کم می‌شه» تقدیم حضورتان کردیم. از آن کتاب استفاده کنید و کسانی را که می‌خواهند وارد کار شوند، شناسایی کنید. یادتان باشد آن کتاب را به کسانی بدهید که الان کاری نمی‌کنند.



دریافت فایل
کتاب غصه خورها زیاد شن،
غصه هامون کم همیشه

حالا شما هستيد و تعداد افرادی که می خواهند غمی از غم های محله و افراد محله را بردارند.

این قسمت، راهنمای گام به گام مشارکت مردمی در پیشرفت محله، همراه با نقشه راه جلب مشارکت مردم در عرصه های محله است که فرایند ترغیب و به کارگیری نیروهای مردمی را به شما آموزش می دهد.

پیش از شروع: چرا محله؟

اگر افرادی که شما می خواهید آن ها را به کار اجتماعی دعوت کنید، کتاب «**غصه خورها زیاد شن**» را خوب خوانده باشند، در این بخش چالش کمتری دارید. اما به خاطر محکم کاری، کمی درباره چرایی و چگونگی کار در محله سخن بگوییم خالی از لطف نیست. این مطالب دست شما را برای حل مسائل فکری مخاطبتان پر می کند.

قبل از آنکه سراغ «چگونه» ساختن محله‌مان برویم، بیایید کمی با هم فکر کنیم «چرا» این راه، تنها راه پایدار و شیرین پیش روی ماست. وقتی این پایه‌ها را محکم کنیم، هر قدم بعدی، استوارتر و پرمثمرتر خواهد بود.

محله؛ نقطه آغاز واقعی

فکر کن! حل مشکلات بزرگ شهر یا کشور، گاهی آن قدر دور و دست نیافتنی به نظر می‌رسد که آدم دلسرد می‌شود.

اما محله؟ اینجا همه چیز ملموس است. مشکل زباله در گوشه فلان خیابان را می‌بینی، نیاز آن پیرزن تنها را در همسایگی‌ات می‌شناسی، ظرفیت جوانان بیکار و پرانرژی آن سرکوپه را درک می‌کنی. دیگر از اعتیاد نگویم، از ظرفیت‌های موجود در محله که دیده نمی‌شوند، از درختانی که می‌توانند برای چراغانی شب‌ها به محله کمک کنند.



تغییر در محله، قابل دیدن و لمس کردن است. اینجا جایی است که روابط چهره به چهره و اعتماد اولیه شکل می‌گیرد. تاریخ به ما می‌گوید: **بزرگ‌ترین جنبش‌های اجتماعی و پیشرفته‌ترین شهرها، اغلب از دل همکاری‌های محلی و خودجوش مردم بیرون آمده‌اند.**

قدرت در همسایگی تو جمع است؛ چگونه به کارش می‌گیری؟

معجزه مشارکت خودجوش مردمی

بگذارم! باشم! نهادهای دولتی و بزرگ، با همهٔ حُسن نیت و منابعشان، غالباً از فاصلهٔ دور نمی‌توانند عمق و ریشه‌های مشکلات محلهٔ تو را مثل خودت بفهمند. پروژه‌های از بالا به پایین، گاهی شبیه دارویی می‌مانند که بدون تشخیص دقیق بیماری تجویز شده‌اند: یا اثر نمی‌کنند، یا عوارض دارند، یا بعد از رفتن دکتر، بیماری برمی‌گردد.

مشکل دیگر، پایداری است. وقتی مردم محله فقط تماشاچی باشند و نقشی در طراحی و اجرای یک پروژه (مثلاً ساخت پارک یا کلاس آموزشی) نداشته باشند، حس مالکیت ایجاد نمی‌شود. نتیجه؟ آن پارک زود تبدیل به محل انبوه زباله می‌شود و آن کلاس آموزشی خالی می‌ماند. چرا؟ چون مردم آن را «پروژهٔ فلان اداره» می‌دانند، نه «پارک ما» یا «کلاس ما».

اینجا است که معجزهٔ مشارکت خودجوش مردمی رخ می‌نماید.

وقتی دغدغه‌مندان محله دور هم جمع می‌شوند، مشکل را از درون می‌شناسند و راه‌حل را از درون می‌آفرینند.

■ **هزینه‌ها کمتر می‌شود:** نیروی داوطلب مردمی، خلاقیت محلی و استفاده از منابع موجود در محله (مثلاً یک حیاط خلوت برای کلاس یا کارگاه، مهارت یک بازنشسته برای آموزش یا میانجی‌گری) هزینه‌ها را به شدت کاهش می‌دهد.

■ **راه‌حل‌ها هوشمندانه‌تر و پایدارتر است:** چه کسی بهتر از مادری که هر روز بچه‌اش را به مدرسه می‌برد، می‌داند در مسیر چه جاهایی به آسفالت، پل، جوی یا... نیاز دارد؟ چه کسی بهتر از آن نوجوانی که هر روز به پارک محله می‌رود، می‌داند آنجا به نصب کدام وسیله بازی یا تعمیر کدام بخش بیشتر نیاز دارد؟ چه کسی بهتر از خواربارفروش محله یا راننده تاکسی محله می‌داند وضعیت رفاهی، امنیتی و اقتصادی مردم چگونه است؟

- **حس تعلق و غرور محلی زنده می‌شود:** وقتی با دست‌های خودت و همسایه‌ات، بوستانی را پراز گل می‌کنی یا برای سالمند محله‌ات خرید می‌روی، آن حس شیرینِ «این محله مال ماست» جان می‌گیرد. این حس، قوی‌ترین محافظ برای نگهداری از دستاوردهاست.
- **سرمایه اجتماعی رشد می‌کند:** مشارکت، اعتماد بین همسایه‌ها را تقویت می‌کند، شبکه‌های حمایتی غیررسمی (مثل کمک به خانواده بیمار یا نگهداری کوتاه‌مدت از کودک) شکل می‌گیرد و محله تبدیل به محیطی امن‌تر و گرم‌تر برای همه می‌شود.

محله‌ات را دوباره بشناس

یک نکته مهم: خیال نکنید که ما محله را خیلی خوب می‌شناسیم، بلکه ادعا می‌کنیم که در محله زندگی می‌کنیم و آنجا را می‌شناسیم. ما از خیلی مسائل، مشکلات و حتی فرصت‌های محله خبر نداریم و لازمه حل این مشکل،

اول پذیرفتن آن وبعد، لحظه‌ای قدم زدن در محله است.

برای اینکه پیشنهاد ایجاد گروه را به مردم محله بدهید، باید اول بدانید واقعاً چه کسانی توانایی، تعهد و انگیزه این کار را دارند. این طور نیست که از فردا در محله راه برویم و انتظار داشته باشیم به هرکس رسیدیم و پیشنهاد یک کار اجتماعی عام‌المنفعه دادیم، زود بپذیرد.

باید اول از نزدیکان شروع کنید؛ از کسانی که احتمال پذیرفتن می‌دهید. اما مطمئن باشید انسان‌های توانمند و دلسوز زیادی در محله زندگی می‌کنند (بازنشسته‌ها، جوانان پرانرژی، زنان خلاق، صنعتگران، معلمان و...).

گروه‌ها و نهادهای فعال (مسجد، هیئت، انجمن، کانون محله، مغازه‌های معتمد) که باید آن‌ها را بهتر بشناسیم. حتی فضاهای فیزیکی بلااستفاده یا قابل بهره‌برداری (حیاط‌های خلوت، زمین‌های بایر، پشت‌بام‌ها) می‌توانند برای شما نیروآوری کنند؛ چراکه شاید بعضی‌ها به دلیل عدم شناخت فرصت‌های پیرامونشان است که به فکر کار اجتماعی نمی‌افتند یا انگیزه کافی پیدا نمی‌کنند.

به این مطلب این را هم اضافه کنید که مهارت‌ها و هنرهای محلی هم می‌توانند نیروآوری کنند و انگیزه کافی را برای حرکت به افراد بدهند. شاید دیگر تأیید کنید که گفتیم «ادعای کنیم محله را می‌شناسیم».

پذیرید که ما دقیق نمی‌دانیم مهم‌ترین مشکلات اجتماعی که مردم از آن رنج می‌برند چیست. اعتیاد، بیکاری جوانان، مشکلات سالمندان، کودکان بی‌سرپرست، تردد معلولین در محله، مشکل تعمیرات یک خانه،

بیماری آن خانمی که همسرش در زندان است و فرزندانش بدون خوردن صبحانه به مدرسه می‌روند... شما این‌ها را ضرب کنید در تعداد افراد؛ حالا بگویید محله‌تان را چقدر می‌شناسید؟ فراگیری کدام بیشتر است؟ کدام یک اولویت دارد؟ یا مشکلات محیط‌زیستی محله چیست؟ زباله، فاضلاب، کمبود فضای سبز، آلودگی هوا یا صدا. مشکلات کالبدی و عمرانی چیست؟ خیابان‌های خراب، ناامنی، کمبود روشنایی. مشکلات اقتصادی؟ فقر، نبود شغل محلی.

یادت باشد: هیچ دو محله‌ای شبیه هم نیستند! نسخه همسایه را کپی نکن. برای

محله خودت برنامه‌ریزی کن. بدان اگر همه‌جا را آب ببرد، نباید محله‌ت را ببرد.

محله تو، با همه خوبی‌ها و بدی‌هایش، تنها جایی است که تغییر واقعی را از آنجا می‌توان آغاز کرد. البته یادت نرود که به‌تنهایی نمی‌شود و شما باید برای به‌میدان آوردن مردم متعهد و معتقد به حل مسائل فکر کنی و تلاش

کنی؛ نه برای حل مسئله، بلکه مسئله اصلی تو باید به میدان آوردن مردم باشد و مسئله مردم، حل مسائل پیرامونی خودشان. این جمله قبل را یک بار دیگر خوب بخوان.

نردبان مشارکت: شما روی کدام پله ایستاده اید؟

این تغییر، نه با منتظر ماندن، که با دست‌های گره‌خورده «ما» ممکن می‌شود. اما این «مشارکت» واقعی چیست؟ کلمه «مشارکت» این روزها زیاد شنیده می‌شود، اما گاهی آن قدر گنگ و کلی است که معنای واقعی خودش را از دست داده. بعضی‌ها فکر می‌کنند مشارکت یعنی فقط در جلسه حضور پیدا کنی یا یک رأی بدهی! اما مشارکت واقعی، داستان دیگری است؛ داستانِ سهمیم شدن در قدرت، مسئولیت و ساختن مشترک است. هیچ وقت فکر کردی روی نردبان مشارکت، تو روی کدام پله‌ای؟ تصور کن یک نردبان داریم.

پله‌های پایین (ظاهر سازی مشارکت):

- پله ۱ (دستکاری): از تو فقط برای توجیه تصمیم‌های ازپیش گرفته شده استفاده می‌شود. مثلاً: «جلسه‌ای برای رضایت مردم از طرح نوسازی فلان منطقه برگزار شد!» (درحالی که طرح قبلاً قطعی شده بود).
- پله ۲ (درمانی): فقط به تو اطلاع‌رسانی یک طرفه می‌شود. مثل نصب یک تابلو: «اینجا پارکینگ عمومی ساخته خواهد شد.»

پله‌های میانی (مشارکت نمادین):

- پله ۳ (مشاوره‌ای): نظرت را می‌پرسند، اما تضمینی برای تأثیر آن نیست. مثل پرسیدن پرسشنامه‌ای که کسی نتایجش را جدی نمی‌گیرد.
- پله ۴ (دلجویی): کمی امتیاز کوچک می‌دهند تا اعتراضت را بخوابانند. مثلاً بعد از مخالفت مردم با ساخت برج، یک زمین کوچک را به عنوان «پارک محلی» معرفی می‌کنند.

پله‌های بالایی (مشارکت واقعی و توانمندسازی که هدف ماست):

■ پله ۵ (همکاری): تو و دیگر همسایگان، همپای نهادهای (مثل شهرداری) در برنامه‌ریزی و اجرا شریک می‌شوید. مسئولیت‌ها تقسیم می‌شود. مثل تشکیل کمیته مشترک برای مدیریت پارک محله.

■ پله ۶ (گروه‌سازی محلی و کوچک): مردم محله، خودشان تصمیم‌گیرنده و مجری اصلی هستند. خودشان با توان فکری، مدیریتی، امکانات، آبرو و اعتباراتشان می‌توانند بسیاری از مسائل را حل کنند.

هدف کتاب، رسیدن به پله ۶ است: جایی که مردم متعهد محله، نه فقط نیروی

کاررایگان، که صاحب اختیاران واقعی سرنوشت محله‌شان هستند.

موانع راه: سنگ‌هایی که باید کنار زد

می‌دانم که از مهم‌ترین دغدغه‌های تو این است که دیگران کمک نمی‌کنند و پای کار نمی‌آیند. اما این هم راه دارد. باید موانع راه را بشناسیم؛ سنگ‌هایی که باید کنار زد.

چرا بعضی‌ها نمی‌آیند؟ شاید بی‌اعتمادند و با حرف‌های تکراری، مانند «باز هم حرف‌های تو خالی شروع شد»، «باز وعده‌های بی‌ثمر» یا «دیگر نمی‌شود کاری کرد» و از این جور حرف‌های ناامیدکننده می‌خواهند از کار فرار کنند و ما می‌دانیم خیلی از این حرف‌ها را واقعاً تجربه نشان داده که درست نیستند. چاره‌ای نیست جز اینکه برای غلبه بر این موانع، به صبر، درک و شروع با موفقیت‌های کوچک و ملموس نیاز داریم.

یک بوستان کوچک محلی که با هم‌دیگر سبزش کرده‌اند، می‌تواند جرقهٔ اعتماد برای پروژه‌های بزرگ‌تر باشد.



پس حالا می‌دانی که محلهٔ ما، خاک حاصلخیزی است که منتظر بذرِ همکاری ماست و می‌دانی که مشارکت واقعی، چیزی فراتر از حرف و حضورِ فیزیکی است؛ یعنی سهم بردن در فکر، تصمیم، عمل و مسئولیت. پایه‌ها را محکم کردیم. حالا زمان آن رسیده که دست‌به‌کار شویم و بذرهای تغییر را در عرصه‌های عملی محلهٔ عزیزمان بکاریم.

بخش دوم: قدرت «ما»؛ گنجی در دل همسایگی

راه‌رهایی از دردها چیست؟

به آخرین باری فکر کن که سنگینی مشکلی را در محله‌ات احساس کردی. حالا از خودت بپرس: راه‌رهایی پایدار از این دردها کدام است؟ آیا چشم‌به‌راه دستی از آسمانِ نهادهای دورافتادهٔ دولتی بنشینیم؟ یا جرئت کنیم و دست‌های همسایه‌ای را بگیریم که همین نزدیکی است؟

حقیقت ساده اما ژرف این است: تغییر واقعی و ماندگار، نه از آسمانِ دستوراتِ بالا به پایین، که از زمینِ گرم همکاریِ چهره‌به‌چهرهٔ ما می‌روید. چرا؟

■ **چون ملموس و پایدار است:** وقتی پارکِ کوچکی محله را نه شهرداری، که دست‌های خودت و همسایه‌ات بسازد و گل بکارد، دیگر «پارکِ شهرداری» نیست؛ «پارکِ ما» است. و کیست که بخواهد حریم «ما» را ویران کند؟ این حسِ مالکیتِ جمعی، استوارترین نگهبانِ دستاوردهاست.

- دانش بومی، گران بهاترین سرمایه: با خودت فکر کن، چه کسی بهتر از جوانِ بیکارِ محله، می داند چه مهارتی نیاز بازارِ اطراف است؟ این دانشِ بومی، گران بهاترین سرمایه است و اغلب رایگان!
- منابع پنهان شکوفامی شوند: نیروی داوطلبِ ما، خلاقیتِ محلیِ ما، فضای بلااستفادهٔ حیاطِ همسایه، مهارتِ نجاریِ آن بازنشسته... همه و همه منابعی هستند که با همکاری، شکوفامی شوند.
- شبکه‌های نامرئی حمایت شکل می‌گیرد: کمک به خانوادهٔ بیمار، نگهداری کوتاه مدت از کودکِ مادرِ شاغل، حلِ مسالمت‌آمیزِ اختلافِ همسایگی. این گونه، محله امن‌تر، گرم‌تر و زنده‌تر می‌شود.

یک نمونه واقعی: معجزه باغچه مشترک

روزی را یاد دارم که در محله‌ای نه چندان دور، زمینِ بایرِ کوچکی، پناهگاهِ زیاله‌ها و ناامنی شده بود. جوانی پرانرژی پیشنهاد داد: «چرا نشود باغچهٔ مشترکِ محله؟». بله، اول لبخندها شکاکانه بود که مگر می‌شود؟ اما او تسلیم نشد. با سه رفیق همراه و کنج‌ها و شروع کرد. خاکِ بی‌کیفیت را با کمپوستِ خانگی همسایه‌ها بهبود بخشیدند. بذرِ سبزیجاتِ ارزان را کاشتند. هرکس، ساعتی از وقتش را وقفِ آبیاری کرد. پیرمردِ باغبان، دانشِ خود را به اشتراک گذاشت. کودکان، دورِ باغچه بازی کردند. امروز، آن زمینِ زشت، نقطهٔ سبزِ محله است؛ مکانی برای گفت‌وگو، غرورِ جمعی و تأمینِ بخشی از سبزیِ خانوارها. این معجزه‌ای جز قدرتِ حضور و نقش‌آفرینی «ما» نبود. (سمنان، محلهٔ سرداران شهید، بوستان شهیدان نوروزی)

گام اول: گنج‌یابی در محله

عزیزم، در این بخش چراغ شناخت را با هم برمی‌افروزیم تا در پرتو آن، ناپیدایی‌های محله‌ات را بنگریم. پیش از گره زدن دستان عمل و آغاز پرواز تغییر، باید خاک این سرزمین مشترک را با تمام رازهایش لمس کنی. دفترچه‌ات را بردار و با هم در کوچه‌پس‌کوچه‌های آشنا قدم بزنیم؛ چراکه هر سنگفرش، هر چهره و هر آهی، گنجی است برای ساختن فردایی روشن‌تر. اینجا نه انبوهی از کمبودها، که گنجینه‌ای پنهان از زیبایی‌ها و توانمندی‌هاست که چشم تیزبین تو می‌تواند آن‌ها را کشف کند.

۱. گوهرهای انسانی را پیدا کن

بله، نخست به جست‌وجوی گوهرهای انسانی برخیز. آن بازنشستهٔ معلمِ قصه‌گو که گنجینه‌ای از دانش را در سینه دارد، آن جوان با دستان طلایی که در گوشهٔ گاراژ خانه، هنر نجاری می‌آفریند، آن زنانِ دل‌آگاه که رگ‌های

محبتِ محله‌اند در هیئت‌های مذهبی و کمک‌های خودجوش، و آن نوجوانانِ بیکارِ مشتاق که انرژی خاموششان انتظار کاری ارزشمند را می‌کشد. حالا نوبت توست: این هفته، با سه همسایه‌ای که می‌شناسی، گپی صمیمانه بزن. نه از مشکلات، که از علاقه‌ها و گنجینه‌های مهارتی‌شان بپرس: «چه کاری دوست داری انجام دهی؟ چه هنری داری که می‌توانی به دیگران بیاموزی؟». این گفت‌وگوها، نخستین رشته‌های شبکه‌ی اعتمادِ محله‌ات خواهد بود.

۲. فضاهای خفته را بیدار کن

آن حیاطِ خلوتِ وسیعِ همسایه می‌تواند جایگاه کارگاهی آموزشی شود، آن دیوارِ خالیِ غمگینِ کوچه‌ی بن‌بست مشتاق نقشی از رنگ و امید است، آن زیرزمینِ نیمه‌خالیِ مسجد می‌تواند کتابخانه‌ی امانیِ کوچکی محله شود، و آن زمینِ بایر کنار نهر فریاد می‌زند تا به باغچه‌ی مشارکتی تبدیل شود.

چشم‌انت را برای فضا‌های بلا استفاده، فرسوده یا قابل بهسازی بازکن و در ذهنت بگو: «اینجا چه می‌تواند بشود؟».

۳. به زخم‌های جمعی گوش بسیار

اما شناختِ زیبایی‌ها کافی نیست. باید به ندای زخم‌های جمعی‌ات نیز گوش بسیاری؛ نه برای زاری، که برای چاره‌جویی مشترک. این شنیدن، سرآغاز درمان است. با فنجانی چای در دست و نگاهی همراه، نزد آن مادری برو که هر صبح نگران عبور فرزندش از کوچهٔ تاریک است، کنار آن پیرمرد بنشین که از تنهایی می‌گوید، پای صحبت آن جوان بیکار بنشین که استعدادش خاک می‌خورد و پیرس: «بزرگ‌ترین دغدغه‌ات برای محلهٔ ما چیست؟ تو برای بهبود این وضعیت چه کاری می‌توانی انجام بدهی؟».

گام دوم: هنر تمرکز و اولویت بندی

همهٔ دردها را یک باره نمی توان درمان کرد. فهرست مشکلات و توان ها را

بنویس و از خود و هم فکرانت بپرس:

- کدام مشکل بیشتر مردم را می آزارد؟
- کدام یک ژرف ترین رنج را می آفریند؟
- و کدام را با منابع محدودمان (انسان ها، فضاها، مهارت ها) می توان بهبود بخشید؟

یک ماتریس ساده اثر-هزینه ترسیم کن: یک محور «تأثیر مثبت بر محله» و محور دیگر «هزینه/زمان مورد نیاز». مشکلاتی که در خانه «تأثیر بالا / هزینه پایین» جای می‌گیرند. درمانند پاک‌سازی گروهی هفتگی یک نقطه بحرانی- نقطه آغاز طلایی‌اند.

اکنون که گنج‌ها کشف و زخم‌ها شناسایی شد، این شناخت، خاک حاصلخیزی است که بذر همکاری در آن به‌زودی جوانه خواهد زد. اما هیچ بذری بدون دستان جمعی به بار نمی‌نشیند. آماده‌ای تا نخستین حلقه اعتماد را بیافرینی؟

بخش سوم: گروه‌سازی، قلب‌تپنده حرکت

تو فقط گروه بساز!

اکنون به قلبِ تپنده تغییر می‌رسیم؛ جایی که شناختِ محله، به نیرویِ زنده دست‌هایِ گره‌خورده بدل می‌شود. تو در این راه تنها نیستی؛ گام بردار و ما هم ایده‌هایِ اجتماعیِ درخشانی را که چون ستاره‌هایِ راهنما می‌درخشند، به تو معرفی می‌کنیم.



از «من» به «ما»: نقشهٔ راه گروه‌سازی

خاکِ حاصلخیزِ محله را کاویده‌ای، گنجینه‌ها و زخم‌ها را شناخته‌ای. اکنون زمانِ آن است که بذریهٔ «ما» را در این خاک بکاری.

گروه‌سازی، بنیانِ هر تغییرِ ماندگاری است و این فصل، نقشهٔ گنجِ این بنیان‌گذاری را به تو می‌دهد.

یک پیامِ ساده برای نزدیک‌ترین کسانی که خوب آن‌ها را می‌شناسی و می‌دانی دغدغهٔ محله را دارند، بفرست. با پرسش آغاز کن: مسائل را بگو، آن‌ها را به فکر بینداز و نگاهشان را از دولت به سمت توان خودشان جلب کن. سپس سؤال کن چه کاری می‌توانند برای یکی از مسائلی که گفتی، انجام دهند. اکنون به شکفتنِ گل‌هایِ عمل می‌رسیم.

مبانی کار با مردم: هنر ترغیب، نه تحمیل

هرکاری، حتی جار زدن منزل یا آشپزی، دارای اصول، روش و مبانی خاصی است. حالا که تومی خواهی با مردم کار کنی و آن‌ها را برای حرکت کردن ترغیب کنی، باید به مبانی کار با مردم آگاه باشی. باید از علت‌ها، چرایی‌ها و چگونگی کار مطلع باشی تا بتوانی تأثیرگذاری بالایی را رقم بزنی. ترغیب، هنر تغییر نگرش بدون تحمیل است که از «اجبار پنهان» پرهیز می‌کند و بر «ایجاد اشتیاق جمعی» تمرکز دارد.

ستون‌های اعتماد: قلب تشکیل گروه

مهم است که بدانیم چرا مردم به گروه‌ها می‌پیوندند.

چون نیاز به تعلق‌پذیری و اثرگذاری جمعی در همهٔ انسان‌ها، هرکس به اندازه‌ای، وجود دارد. اما اعتمادسازی، قلب تشکیل گروه است و این‌ها ستون‌های اعتماد هستند:

■ **صداقت:** رُک‌گویی دربارهٔ اهداف و محدودیت‌ها.

■ **تخصص:** نمایش تجربه‌های موفق مشابه.

■ **ثبات:** پیگیری مستمر.

■ **همدلی:** شنوندهٔ فعال بودن بدون قضاوت.

برای ساختن این اعتماد، باید برای پاسخ به اعتراض‌هایی مانند «این گروه‌ها بی‌فایده‌اند» آماده باشی و بتوانی با ارائهٔ یک چارچوب محرک، مقاومت‌ها و ابهامات را مدیریت کنی.

چکیده الگوی عملی تشکیل گروه

پس، چکیده آنچه از الگوی عملی تشکیل گروه گفتیم این بود:

۱. شناسایی: پیدا کردن «اولین عضو مؤثر» از میان افراد شناخته شده محله.
۲. طراحی: برگزاری یک جلسه آغازین کوتاه با دستورکار شفاف، شامل ارائه اطلاعات محله و شناسایی توانمندی‌های موجود.
۳. تقسیم کار: ارائه ایده‌ها و تقسیم نقش‌ها بر اساس ظرفیت‌ها (نه اجبار!).

از ایده تا عمل: غذای روح گروه

حالا که توان‌هایی را پیدا کرده‌ای و افراد پذیرفته‌اند که یک گروه ساده و کوچک تأسیس کنند، باید برایشان الگو و ایده‌هایی ارائه کنی تا بتوانند در آن زمینه عملیات کنند و باعث ماندگاری گروه شوند. در ادامه، ایده‌های جذاب، ساده، ارزان و شیرینی را ارائه می‌دهیم که هر فردی با هر توانی، قابلیت انجام آن‌ها را دارد.

فصل دوم

خیریه‌های خلاق، گروهی و مؤثر

مجموعه‌ای از ایده‌های عملی و کم‌هزینه برای راه‌اندازی خیریه‌های خلاق و مؤثر
در حوزه‌های آموزش، سالمندان، کودکان کار و محیط زیست.

بخش اول: خیریه‌های دانش‌آموزی و آموزشی

گروه خیریه تخصصی «کوله‌پشتی مهربانی» (تأمین لوازم التحریر)

تابه حال فکر کرده‌اید پدر و مادری که نمی‌توانند برای سال تحصیلی جدید لوازم التحریر مناسبی برای دانش‌آموزشان تأمین کنند، چه حالی دارند؟ پدر با چه شرایطی شب را روز می‌کند؟ بله، شما می‌توانید یک خیریه تخصصی برای تأمین لوازم التحریر ایجاد کنید. در این ایده، حتی شما می‌توانید بخش قابل توجهی از لوازم را با کمک خانم‌هایی که نیاز مالی دارند تأمین کنید؛ مثلاً با یک تولیدی کیف و جامدادی صحبت کنید و تعدادی از آن کیف‌ها و جامدادی‌ها را برای دوخت به این مادران برسانید.

این کار هم می‌تواند ایجاد اشتغال کند و هم این امکان را به آن‌ها می‌دهد که خودشان لوازم مورد نیاز دانش‌آموزشان را با عزت تهیه کنند.

در دل همین گروه «کوله‌پشتی مهربانی»، می‌توانیم یک قدم هوشمندانه‌تر و تأثیرگذارتر برداریم. بیاید لحظه‌ای به کودکی فکر کنیم که در اولین روز مدرسه، جای خالی پدرش را بیش از هر زمان دیگری حس می‌کند. حالا به پدری فکر کنیم که پشت دیوارهای بلند، تمام وجودش پراز غصه است، نه برای حبس خودش، بلکه برای دستان خالی‌اش در مهم‌ترین روزهای زندگی فرزندش. رسالت ما در این گروه، فقط پر کردن یک کیف نیست؛ بلکه پر کردن همین جای خالی عمیق است.

ایده اینجاست: ما به جای اینکه فقط یک کوله‌پشتی اهدا کنیم، تبدیل به «پیک مهرپدر» می‌شویم. با هماهنگی‌های لازم، کاغذ و قلمی به دست آن پدر می‌رسانیم تا برای فرزندش نامه‌ای بنویسد؛ نامه‌ای پراز دلتنگی،

امید و تشویق برای درس خواندن. سپس آن نامهٔ ارزشمند را در جیب جلوی همان کیفی می‌گذاریم که با کمک هم تهیه کرده‌ایم و به دست آن کودک می‌رسانیم. حالا دیگر این یک هدیهٔ بی‌نام‌ونشان از طرف یک خیریه نیست؛ این هدیه، پیام مستقیم و پراز عشقی از طرف «بابا» است. با همین حرکت ساده و کم‌هزینه، ما معجزه می‌کنیم. ما کرامت پدری را حفظ می‌کنیم که می‌خواهد برای فرزندش تکیه‌گاه باشد و به کودکی یادآوری می‌کنیم که قهرمانش حتی از دورترین فاصله‌ها هم به یاد اوست و به او افتخار می‌کند. این همان جادوی کارهای کوچک است که در این کتاب از آن حرف می‌زنیم: با یک برگه کاغذ، زخمی عمیق را التیام می‌بخشیم و پلی از محبت روی دیوارهای بلند فاصله می‌سازیم.

گروه خیریه تولید «گره‌گشا» (تأمین مواد اولیه برای تولید)

وظیفه این گروه می‌تواند تأمین مواد اولیه برای تولید کیف مدرسه و جامداتی باشد که توسط خانم‌های خانه‌دار و سرپرست خانوار انجام شود. خانم‌های خانه‌داری هستند که به دلایل گوناگون نمی‌توانند در فعالیت‌های اجتماعی میدانی مشارکت کنند، اما دوست دارند برای جامعه خود کاری انجام دهند. شما می‌توانید با در اختیار قرار دادن مواد اولیه، از ایشان بخواهید کیف‌ها و جامداتی‌ها را به صورت رایگان آماده کنند تا شما درآمد حاصله را در امور خیر دیگر هزینه کنید.

گروه خیریه «لقمه با عشق» (تأمین صبحانه و تغذیه سالم)

این گروه با کمک گرفتن از خانواده‌های دارای توانمندی اقتصادی، تأمین‌کننده صبحانه مقوی برای دانش‌آموزان ضعیف و نیازمند به تغذیه می‌باشد. این ایده آن قدر وسیع و جذاب است که هرچقدر به آن فکر کنیم، می‌شود کار تولید کرد. مثلاً برای دانش‌آموزانی که پدران ایشان دچار آسیب اعتیاد هستند و تأمین غذای مناسب برای مادر سخت است. البته این ایده را در بخش آسیب‌های اجتماعی بیشتر توضیح خواهیم داد.



گروه خیریه تخصصی «جشن تکلیف و تولد» (برگزاری جشن‌های خاطره‌انگیز)

این گروه می‌تواند جشن تکلیف و تولد برای کودکان را بی‌هزینه، شاد و به یادماندنی برگزار کند.

این روزها هزینه جشن تکلیف در مدارس خیلی بالا است و برای خیلی از خانواده‌ها، مشارکت و پرداخت هزینه بسیار سخت است. شما می‌توانید یک خیریه تخصصی ویژه برگزاری این دو جشن راه بیندازید.

نکته: توجه داشته باشید تمام این ایده‌ها قابل پرورش بیشتر است

و لازم است شما با تیمتان حتماً جلسه مشورتی برگزار نمایید و به هر چه بهتر و

پخته‌تر شدن کارتان بیفزایید.

تا می‌توانید هزینه‌ها را کاهش دهید و با بقیه کسانی که شاید این طرح را انجام می‌دهند، متفاوت عمل کنید. مهم‌ترین تفاوت این کار، کم‌هزینه بودن است که باعث جلب توجه و افزایش حضور و مشارکت خواهد شد.



بخش دوم: خیریه «مهر بزرگان» (ویژه کمک به سالمندان و افراد کم توان)

خیلی کارها است که اگرما شانه به زیر آن ها بدهیم، حال دل خودمان بیشتر خوب می شود. تابه حال فکر کرده اید برای این قشر از جامعه چقدر می توانید مفید باشید و چه کارهای جذابی انجام دهید؟ برای کاهش تنهایی سالمندان و جلوگیری از سپرده شدن آن ها به خانه های نگهداری، باید وارد میدان شوید.

گروه «کاروان مهربانی» (برگزاری اردوهای تفریحی و زیارتی)

برنامه‌ریزی و اجرای اردوهای زیارتی و سیاحتی و همراهی با سالمندان برای پشتیبانی از آن‌ها در سفر. باید کاری کنیم تا سالمندان احساس تنهایی نکنند و خانواده‌هایی که سالمندانی با شرایط خاص دارند، تا جایی که می‌شود برای نگهداری از سالمند خود دچار مشکل نباشند.



گروه «امداد موتور محله» (خدمات درمانی سیار)

راه‌اندازی امداد و اورژانس موتوری با کمک جوانان دارای موتورسیکلت؛ به‌نحوی که با چند پزشک عمومی و تخصصی که سالمندان به آن‌ها نیاز دارند صحبت کنید و برای رفت‌وآمد آن‌ها به خانه سالمندان، از امداد موتور محله استفاده کنید.

تصور کنید یک جوان پرانرژی با موتورش، دکتر معتمد محله را در کمتر از ده دقیقه به بالین همان سالمند می‌رساند. این موتور دیگر فقط یک وسیله نقلیه نیست؛ تبدیل به یک رگ حیاتی در کالبد محله می‌شود. با این کار، نه تنها در وقت و هزینه صرفه‌جویی کرده‌ایم، بلکه کرامت و آرامش را به بزرگترهایمان هدیه داده و به جوانان محله نشان داده‌ایم که چطور انرژی‌شان می‌تواند گره‌گشای یک مشکل واقعی باشد.

گروه «تاکسی مهربانی» (خدمات حمل و نقل رایگان)

راه اندازی تاکسی خرید اقلام ضروری ویژه خانواده‌های کم‌توان، سالمند و خانواده‌ شهدا با دادن کد اشتراک و هماهنگی با برخی رانندگان تاکسی و یا افرادی که می‌توانند در این امر با خودروی خود کمک کنند. همچنین می‌توان با افراد دارای خودرو برای سرویس مدرسه هماهنگ کرد که برای انتقال دانش‌آموزان از خانه به مدرسه و بالعکس برای یک هفته یا کمتر یا بیشتر وقت بگذارند.

گروه «خدمت مهربان» (خدمات فنی و نظافتی در منزل)

حل کردن بعضی از رسیدگی‌ها در منازل و کاهش هزینه‌ها با ایجاد گروه‌های جهادی قالی‌شویی، سرویس لوازم برقی، نظافت منزل و باغبانی. تشکیل گروه از تعمیرکاران لوازم خانگی، سرویس‌کاران کولر و بخاری، نقاشان ساختمان، بناها، برق‌کاران و لوله‌کش‌ها. افراد زیادی این مهارت‌ها را دارند و می‌توانند برای خدمت‌های موقت و محدود، تا جایی که به معیشت‌شان لطمه‌ای وارد نشود، خدمت ارائه دهند، اما کسی از ظرفیت آن‌ها استفاده نمی‌کند.

شما می‌توانید اول در بین دوستان، فامیل و همسایه‌های صمیمی این افراد را شناسایی کرده و با آن‌ها گروه تشکیل دهید.

گروه «چشم و چراغ» (مطالبه‌گری برای مناسب‌سازی معابر)

این گروه ویژه مطالبه‌گری و رفع نارسایی‌های تردد برای سالمندان و معلولان در محله است. خیلی از معابر عمومی برای تردد ویلچر مناسب نیستند. این گروه می‌تواند با ارائه راهکار و حتی راه‌انداختن گروه عمرانی برای هرچه سریع‌تر انجام شدن این نیاز، به شناسایی موانع مسیر (مثل پیاده‌روهای شکسته) و ارتباط با شهرداری برای رفع مشکلات بپردازد.

خیریه «آبشار مهر» (توزیع غذای خانگی)

با کمک خیریه‌های دیگر به شناسایی نیازمندان یا سالمندانی که توان پخت غذای مناسب ندارند، بپردازید. با اطلاع‌رسانی در بین خانواده‌های محله و زنان خانه‌دار، از آن‌ها بخواهید هر سه‌شنبه مقداری از غذایی که برای خود می‌پزند را بیشتر درست کنند. سپس با اطلاع‌رسانی به خیریه شما، نسبت به جمع‌آوری آن‌ها و تحویل به افراد مدنظر اقدام کنید.



بخش سوم: خیریه تخصصی «فرزندان من» (حمایت از کودکان کار)

حتماً شما دوست دارید تا به کودکانی که در خیابان‌ها به تکدی‌گری می‌پردازند، کمک معیشتی کنید و سبدهای کالایی را تهیه و توزیع نمایید. باید گفت هرچند این نیت خیرخواهانه است، اما حتماً می‌دانید این کار هم اشتباه است و هم دردی را درمان نمی‌کند. پس بهتر است از این ایده‌ها استفاده کنیم:

گروه خیریه تخصصی «دست‌یاران امید» (کار در خانه، تحصیل در مدرسه)

آموزش حرفه‌های ساده به نوجوانان. یادگیری حتی یک مهارت ساده می‌تواند چرخه فقر را بشکند. از کسانی که مهارت‌های اشتغالی در خانه و یا حتی بیرون از خانه را دارند بخواهید تا به دانش‌آموزانی که معرفی می‌کنید، مهارتشان را آموزش بدهند. کار چند نفر از اعضای تیم شما می‌تواند پیدا کردن و مذاکره کردن با صاحبان کسب‌وکار برای مشارکت در این امر خیر باشد.

گروه «کلاس‌های کوچه‌ای» (آموزش و کمک‌درسی)

می‌توانید برای کمک‌های درسی به این دانش‌آموزان، از دانشجویان، معلمان بازنشسته و حتی دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان برای همکاری دعوت کنید. نیازی به کلاس درس رسمی و تخته‌سیاه گران‌قیمت نیست. گوشه‌ای از حیاط مسجد، روی یک نیمکت خلوت در پارک، یا حتی روی فرش اتاق پذیرایی یک همسایهٔ مهربان، بهترین کلاس درس دنیا است. تمام سرمایهٔ شما، یک ساعت وقت خالی آن دانشجو و اشتیاق دانش‌آموزی است که می‌خواهد یاد بگیرد. گاهی یک ساعت تدریس ریاضی روی یک تکه کارتن، آیندهٔ تحصیلی یک کودک را برای همیشه تغییر می‌دهد.

گروه «کسب و کارت با من» (بازاریابی و فروش محصولات)

تأمین بازار فروش و مواد اولیه برای دانش‌آموزانی که شغل کوچک و خانگی برای خود راه انداخته‌اند. حتماً باید برای کمک به پیدا کردن بازار فروش به آن‌ها کمک کنید. لذا بازاریابی مجازی، شرکت در نمایشگاه‌های محلی یا مذاکره با فروشگاه‌ها، کمک به حسابداری و محاسبهٔ درست سود و زیان و کمک به رسیدن به مدل‌های سوددهی بیشتر با کمک گرفتن از تجربه‌های موفق دیگر، می‌تواند وظیفهٔ این گروه قرار بگیرد.

گروه «سلامت و درمان» (پشتیبانی پزشکی و روانی)

- **گام اول:** پیگیری و کمک‌های درمانی به این کودکان با صحبت با پزشکان برای تشکیل کمیته درمان رایگان جهت ویزیت و تعیین مراحل درمانی.
- **گام دوم:** هماهنگی با داروخانه‌های پشتیبان.
- **گام سوم:** تشکیل کمیته‌ای از روحانیون و اساتید حوزه روانشناسی و روانپزشکی برای مشاوره و کمک به درمان یا پیشگیری از آسیب‌های روحی و روانی.



گروه خیریه «پرتوهای امید» (تأمین هزینه پرتودرمانی)

وقتی کسی در حال نبرد با بیماری سختی مثل سرطان است، هر جلسه درمان، یک قدم به سمت پیروزی و هر پرتو امید، به اندازه یک دنیا ارزش دارد. پرتودرمانی برای بسیاری از بیماران، همان شعاع نوری است که تاریکی ناامیدی را می شکافد. اما تصور کنید چه لحظه تلخی است وقتی آن پرتو حیات بخش، پشت دیواری از هزینه های سنگین متوقف می شود؛ وقتی یک خانواده باید بین نان شب و جلسه درمان یکی را انتخاب کند. این دردی است که هیچ کس نباید به تنهایی به دوش بکشد.

اینجا، رسالت گروه کوچک ما، «پرتوهای امید»، آغاز می شود. هدف ما بزرگ و پیچیده نیست؛ ساده و متمرکز است: می خواهیم مطمئن شویم هیچ جلسه پرتودرمانی ای به خاطر بی پولی لغو نمی شود. ما قرار نیست تمام هزینه های درمان یک بیمار را تأمین کنیم؛ ما فقط هزینه یک جلسه را هدف می گیریم.

با یک قلک کوچک در مغازهٔ معتمد محله، با یک قرار ماهانه بین چند دوست، یا با فروش کارهای هنری کوچک، می‌توانیم هزینهٔ همان یک جلسهٔ حیاتی را فراهم کنیم.

هر بار که موفق می‌شویم هزینهٔ یک جلسه را تأمین کنیم، کاری فراتر از پرداخت یک صورت‌حساب انجام داده‌ایم. ما یک پیام قدرتمند به آن بیمار و خانواده‌اش فرستاده‌ایم: «شما در این نبرد تنها نیستید؛ ما کنارتان ایستاده‌ایم.» هر کمک کوچک ما، تبدیل به پرتویی از امید می‌شود که به یک انسان جنگجو، قدرت ادامه دادن می‌دهد. این‌گونه، ما با دست‌های خالی اما دل‌های پر، نور را به تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌بریم و ثابت می‌کنیم که امید، یک قدرت جمعی است.

بخش چهارم: خیریه‌های محیط‌زیستی

گروه خیریه تخصصی «هوای پاک» (ترویج دوچرخه‌سواری)

این گروه می‌تواند با فراخوان در بین مردم، از آن‌ها بخواهد تا اگر در خانه‌های خود دوچرخه‌ای بلااستفاده دارند یا می‌توانند آن را به صورت امانت در اختیار قرار دهند، آن‌ها را جمع‌آوری و تعمیر کند. سپس آن‌ها را در بین کودکان یا اهالی محله که می‌خواهند به اداره، تفریح و... بروند توزیع کند تا از دوچرخه استفاده کنند و در ازای کرایه، برای خرید و اضافه کردن تعداد دوچرخه‌ها کمک نمایند. این کار به حفظ محیط‌زیست کمک می‌کند.

گروه ویژه «نوآوران بازیافت» (آموزش و اشتغال‌زایی از پسماند)

می‌دانید طلای کثیف چیست؟ زمانی می‌شود تعبیر «مال» بر چیزی حمل کرد که ارزشی داشته باشد. زباله‌هایی که در خانه‌های ما تولید می‌شود، هنوز جزء اموال ما محسوب می‌گردد؛ چراکه دارای ارزش مالی است. اما چه میزان از مردم می‌دانند که از بخش قابل توجهی از زباله‌های خانه خود می‌توانند درآمد داشته باشند؟ شما می‌توانید با افرادی که مانند خودتان دغدغه محیط‌زیست دارند، گروهی را ایجاد کنید و برای آموزش بازیافت در منزل و حتی برای فروش و نوآوری از برخی مواد بازیافتی، ایجاد اشتغال در منزل داشته باشید. این کار به کمی تحقیق و وقت‌گذاری نیاز دارد. (مثال: تولید گلدان و صنایع دستی از دره‌های بطری و قوطی‌های فلزی یا تولید سوخت از پلاستیک در صنایع کوچک).

گروه خیریه «نقش مهر» (برگزاری حراجی‌های هنری)

در هر محله و حتی هر خانواده، هنرمندانی در حوزه‌های خوشنویسی، طراحی و نقاشی، ولو در حد ابتدایی، وجود دارد. توجه بفرمایید که این هنرمندان شامل دانش‌آموزان و حتی کودکان پیش‌دبستانی و مهدکودک نیز می‌شود که می‌توانند در این کار شرکت کنند. به این صورت که گروه خیریه شما با تعیین یک موضوع و انجام یک پویش و فراخوان، اقدام به جمع‌آوری آثار می‌کند و بعد از طی مراحل ساده داوری، نقاشی‌ها را برای فروش به صورت مزایده در مسجد، فرهنگ‌سرا و... به بازدید عموم می‌گذارد. هزینه کسب‌شده را می‌توان به صورت قرض‌الحسنه برای درمان، پول ودیعه مسکن یا احتیاجات ضروری در اختیار افراد متقاضی قرار داد. بله، گفتیم افراد متقاضی، نه افراد نیازمند، به خاطر اینکه می‌خواهیم این کار را فراگیرتر انجام دهیم.

پیش خود فکر کنید اگر خانواده‌ای مشمول تعریف نیازمند نشد، اما امروز با این هزینه‌های بالا برای پول پیش خانه دچار مشکل شد، کجا و چطور باید مشکل خود را حل کند؟ پس علت معلوم شد.

چرا این مدل‌ها موفق می‌شوند؟

۱. **مقیاس کوچک:** کنترل و ارزیابی پروژه‌ها آسان است.
۲. **هزینه ناچیز:** بیشتر ایده‌ها مبتنی بر زمان و خلاقیت هستند.
۳. **مشارکت گروهی:** فشار کار تقسیم می‌شود و ایده‌ها غنی‌تر می‌شوند.
۴. **شفافیت:** با تقسیم نقش‌ها، اعتماد عمومی جلب می‌شود.
۵. **تأثیر ملموس:** هر گروه می‌تواند حداقل ۱۰ نفر را مستقیماً تحت تأثیر قرار دهد.

نکته طلایی:

- برای هر پروژه یک صفحه مجازی راه اندازی کنید و پیشرفت را روزانه گزارش دهید.
- همیشه یک «دفترچه موفقیت» داشته باشید و هر تغییر مثبت را ثبت کنید.

فصل سوم

مقابله با آسیب‌های اجتماعی

ایده‌های عملیاتی برای تیم‌های ۳ تا ۵ نفره جهت مقابله با چالش‌های اجتماعی
با کمترین منابع و بیشترین تأثیر.

بخش اول: پیشگیری از اعتیاد

گروه «آگاهی بخشان نور» (کارگاه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی)

یکی از دردناک‌ترین اتفاقاتی که می‌تواند برای نوجوانان و جوانان بیفتد، درگیر شدنشان با مواد مخدر است. اصلی‌ترین دلیل این اتفاق، نشئت‌گرفته از نداشتن برنامه مناسب کاری، تحصیلی و تفریحی است. اگر دارای فن بیان و قدرت سخنرانی هستید، شما می‌توانید با اندکی تحقیق در این باره، حداقل بخشی از زمان روز یا هفته خود را به صحبت در بین نمازگزاران، مدارس، هیئت‌ها و هرجا که جمعی از مردم حضور دارند، اختصاص دهید تا آن‌ها را با اطلاعات لازم آگاه کنید.

همچنین می‌توانید با دعوت از افراد علاقه‌مند و دوستانتان، یک گروه تشکیل دهید و با شناسایی مدارس مناطق پرخطر، به اجرای کارگاه‌های «هیجان سالم» اعم از دعوت دانش‌آموزان به تحقیق و تولید روزنامه دیواری، تئاتر، سرود و غیره بپردازید.

نکته: بهانه نیاورید که شاید آموزش و پرورش اجازه ورود شما را ندهد یا اینکه این کارها را باید خود مدارس انجام دهند. همه این کارها می‌تواند در مسجد و یا حتی با دانش‌آموزان یک مجتمع مسکونی انجام شود. همیشه انجام کار خیر، نیاز به یک نفر بانی و شروع‌کننده دارد.

گروه «خاطره» (روایت تجربیات بهبودیافتگان)

ایدهٔ این گروه، دعوت از افراد بهبودیافته برای روایت تجربیاتشان در بین افراد مجتمع، مسجد و یا حتی بردن چند نوجوان به کافی‌شاپ و برگزاری جلسه با صاحبان تجربهٔ صرف مواد مخدر است. همچنین می‌توانید یک صفحهٔ مجازی برای معرفی الگوهای موفق پیشگیری و آموزش برای جلوگیری از زیاد شدن آسیب‌دیده‌های مواد مخدر (مانند طرح جمعیت احرار در استان فارس) راه‌اندازی کنید.

گروه «باشگاه هیجان‌های پاک» (حمایت از نوجوانان در معرض خطر)

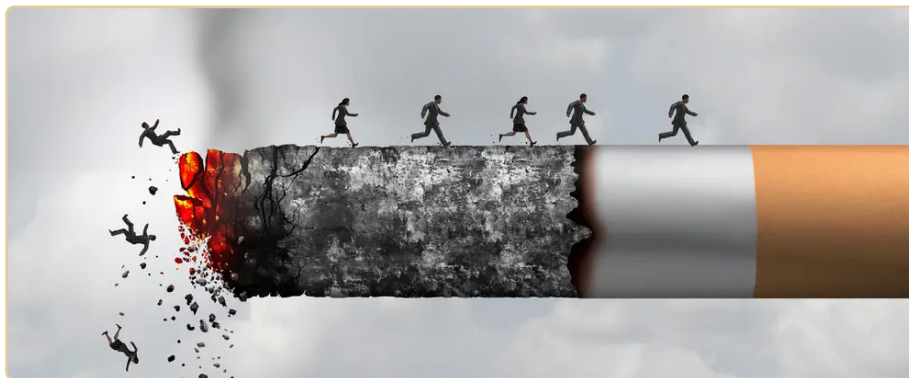
تشکیل «باشگاه هیجان‌های پاک» با عضویت رایگان، ویژه نوجوانان و جوانانی که یکی از اعضای خانواده ایشان درگیر آسیب شده است. هدف این باشگاه، ارائه کمک‌های مهارتی، فردی و رفتاری به ایشان برای رویارویی صحیح با مسئله است.

گروه «خانهٔ ما» (حمایت از خانواده‌های درگیر اعتیاد)

می‌دانستید شما هم می‌توانید با اقداماتی ساده برای زیبایی و امنیت محله، در مبارزه با مواد مخدر کمک‌حال محلهٔ خودتان باشید؟
تابه حال فکر کرده‌اید برای پشتیبانی غذایی، تحصیلی، نشاط و سرگرمی، روانشناسی و درمان از دانش‌آموزان دارای خانوادهٔ درگیر با اعتیاد، شما چه نقشی می‌توانید داشته باشید؟ اگر مطلب قبلی را خوب مطالعه کرده باشید، الان باید به خودتان پاسخ بدهید: «بله، من می‌توانم.» و ادامه دهید که: «من می‌توانم با همراه کردن چند نفر از دوستان، اقوام و یا اعضای خانواده‌ام، حداقل در تأمین صبحانهٔ این دانش‌آموزان کمک کنم.» یا برای تقویت درسی ایشان، می‌توانیم کلاس‌های تقویتی برگزار نماییم.

یا خانم‌ها می‌توانند با همدردی، غمخواری و همراهی با مادر یا همسر خانواده درگیر، به نیازهای جسمی، روحی و روانی او رسیدگی کرده و به کمک همسران درگیر بروند.

این کارها را هیچ‌کس جز شما خواننده محترم، نمی‌تواند به درستی انجام دهد. این کارها در توان مجموعه‌های دولتی نیست.



بخش دوم: کاهش طلاق عاطفی

گروه «پیوندگاه» (حمایت از زوج‌های جوان)

با توجه به درصد رشد طلاق، این گروه باید تشکیل شود تا با برگزاری اردوهای زوج‌های جوان در معرض خطر، به کاهش این اتفاق کمک کنیم. شما می‌توانید با دعوت از چند پیشکسوت از فامیل، یک گروه صلح و سازش ایجاد کنید و لااقل در حد فامیل و اقوام خود به این موضوع کمک کنید. اگر فقط یک گروه ایجاد کنیم و فقط این جمله را که از قول استادم عرض می‌کنم، در جامعه فراگیر کنیم، در کاهش طلاق می‌توانیم نقش مهمی داشته باشیم: «اختلاف نظر و اختلاف سلیقه در ده سال اول زندگی کاملاً طبیعی است.»

۶۰٪ طلاق‌ها در ۵ سال اول زندگی اتفاق می‌افتد.

با مشاوران خانواده که داوطلب کمک هستند، هماهنگ کنیم و اردوهای یک‌روزه‌ای در طبیعت برگزار کنیم. بازی‌های گروهی برای تقویت ارتباط طراحی کنیم و با چند پیامک، ارتباطمان را در طول هفته با زوج‌هایی که می‌خواهیم به آن‌ها کمک کنیم، حفظ نماییم.



گروه «همسفر زندگی» (همیاری زوج‌های موفق با زوج‌های درگیر مشکل)

گاهی یک تجربه مشترک ساده می‌تواند یک رابطه را نجات دهد. شما می‌توانید تنها با همراه کردن زوج‌های با تجربه به عنوان «مربی زندگی»، جلسات ماهانه «صبحانه مشترک» ترتیب دهید و در فضای مجازی، گروهی برای پشتیبانی ایجاد نمایید و تجربه‌ها و اطلاع‌رسانی‌های لازم را برای مخاطبان‌تان ارسال کنید.

بخش سوم: توانمندسازی زنان آسیب‌دیده

بالاخره افرادی هم هستند که قبل از شروع فعالیت شما برای پیشگیری از طلاق، متأسفانه از ادامه زندگی قبلی خود منصرف و جدا شده‌اند. چه کسی باید به آن‌ها کمک کند؟

گروه «چرخ خیاطی امید» (آموزش و ایجاد استقلال مالی)

آموزش و خرید چرخ خیاطی برای زنان آسیب‌دیده جهت استقلال مالی. گاهی یک مهارت ساده می‌تواند چرخه وابستگی را بشکند و کرامت انسانی را هم حفظ کند. این ایده را بیشتر خانم‌ها می‌توانند دنبال کنند و با ایجاد یک گروه کوچک، مسئولیت پشتیبانی، آموزش و کمک به تولید و فروش محصولات این افراد را بر عهده بگیرند.

گروه «وقف وقت» (کمک به دیگران)

این گروه متولی شناخت وقت‌های اضافهٔ مردم و پیشنهاد کار برای آن‌هاست. می‌توان یک دفترچهٔ ساده در مغازه یا مسجد گذاشت و بالایش نوشت: «شما چقدر وقت خالی دارید و چه کاری می‌توانید برای محله انجام دهید؟» (تعمیر شیرآلات، نگهداری کودک، آموزش ریاضی، همراهی سالمند تا دکترو کلی کار دیگر).

مردم با تیک زدن و ارسال یک پیامک «من هم هستم»، آمادگی خود را برای کمک به شما اطلاع می‌دهند. بعد کار شما شروع می‌شود که با ایشان ارتباط بگیرید و اگر در آن محدوده نیازی وجود دارد، به او معرفی کنید تا انتخاب کند. اگر در محدودهٔ او نیازی که به آن علاقه دارد وجود نداشت، از مناطق دیگر به او پیشنهاد بدهید.

چرا این ایده‌ها عملی هستند؟

۱. مبتنی بر نیاز واقعی هستند.
۲. قابلیت درآمدزایی دارند.
۳. مشارکت گروهی، انجام آن‌ها را جذاب می‌کند.

فصل چهارم

کمک‌های خلاقانه به کشاورزان و دامداران

راهنمایی برای تشکیل گروه‌هایی جهت پشتیبانی از تولید محلی؛ از نجات میوه‌های اضافه و راه‌اندازی «فروشگاه کشاورز» تا ساخت سیستم‌های آبیاری ارزان

نبض زندگی در دستان ما

این نقطه حساسی است که همه زندگی‌ها به آن بستگی دارد و اگر از نگاه‌های حمایتی مردم دور بماند، ضرباتی بس سنگین برپیکره نسل بشریت وارد خواهد آورد. همه ما نسبت به این مسئله مسئولیم و باید فکر کنیم چگونه می‌توانیم توان‌های مردمی را برای حمایت از آن پای کار بیاوریم. در اینجا به چند ایده نوآورانه و گروهی برای حمایت از تولیدات محلی اشاره می‌کنیم.

بخش اول: کاهش ضایعات کشاورزی

گروه «میوه‌های نجات» (جمع‌آوری و توزیع محصولات اضافه برداشت)

طبق آمارهای ملی، غالباً ۳۰٪ از محصولات باغی به دلیل نبود بازار مناسب از بین می‌روند! در این اتفاق، هم مردم از میوه کافی بهره‌مند نمی‌شوند و هم باغدار دچار شکست اقتصادی می‌شود که همین امر باعث چالش‌های خانوادگی و اجتماعی برای خانواده باغداران عزیز می‌شود. اما با چند اقدام ساده، ما می‌توانیم در کاهش این آسیب به اندازه توان خودمان اثربخش باشیم. ایجاد یک گروه برای هماهنگی با باغداران جهت تحویل گرفتن میوه‌های اضافه. سپس با مذاکره با خیرین، هزینه آن میوه‌ها را تأمین کرده و آن‌ها را برای آسایشگاه‌ها، مجموعه‌های بیمارستانی و امدادی جهت توزیع رایگان بین افراد ارسال نمایند.

حتی می‌توان در جهت ایجاد اشتغال در خانه، از این محصولات برای تولید میوه خشک، مربا و کمپوت توسط افراد کم‌توان و حتی توانمند با نگاه تولید برای فروش به نفع نیازمندان استفاده کرد. شما می‌توانید با یک طرح نوآورانه، با برچسب زدن روی محصولات با عبارت «این میوه یک زندگی را نجات داد»، باعث افزایش فروش و کمک به جامعه هدف خود شوید.



گروه «کنارتم کشاورز» (مشاوره تخصصی و جهادی)

گروه «کنارتم کشاورز» یا «کنارتم هم‌ولایتی» (اسم این گروه می‌تواند «متب»)، مخفف مرکز تشخیص و بهبود محله، روستا یا شهرستان باشد. اگر شما فارغ‌التحصیل رشته کشاورزی هستید، می‌توانید با ایجاد یک گروه، در جهت کمک به شناسایی آفت‌های کشاورزی و ارائه راهکارهای درمان و حتی سیر تهیه سموم با قیمت کمتر از بازار، به کشاورزان و باغداران کمک کنید. دریغ نکنید؛ گاهی یک مشورت می‌تواند یک محصول کشاورزی و زندگی یک کشاورز را نجات دهد. با ایجاد یک گروه مجازی در بستر نرم‌افزارهای موجود، شما می‌توانید به باغداران و کشاورزان اطلاع دهید که در صورت مشاهده هر نوع آفتی، از آن عکس بگیرند و در گروهی که متخصصین کشاورزی حضور دارند، به اشتراک بگذارند تا با مشورت مهندسين این حوزه، راه مقابله با آن شناسایی گردد.



گروه «کنارتم هم وطن» یا «کنارتم کشاورز» می تواند متشکل از جوانان و افرادی باشد که از روستا به شهر مهاجرت کرده اند، ولی همچنان روستا را کشور کوچک خودشان می دانند، به آن دلبسته اند و می خواهند برای روستایشان کاری کنند.

گروه «دلال بی دلال» (حذف واسطه‌ها)

یکی از کارهایی که می‌تواند در راستای حذف دلال و کاهش قیمت محصولات کشاورزی کمک کند، ایجاد گروه‌هایی برای رساندن محصولات به صورت مستقیم به دست مصرف‌کننده است. گروه‌های جهادی «دلال بی دلال» می‌توانند با رایزنی بین کشاورزان و استفاده از ظرفیت خیرین، مساجد و مجموعه‌های مذهبی اقدام کنند. شما می‌توانید از افرادی که خودروهای باری مثل نیسان، خاور یا وانت دارند و علاقه‌مندند در طول ماه یک کار اجتماعی انجام دهند، کمک بگیرید؛ مثلاً رساندن محصولات جمع‌شده با قیمت مناسب و حتی رایگان به مجموعه‌های مذهبی برای فروش یا میادین میوه و تره‌بار تا کشاورز محصول خودش را بدون واسطه دلال، به دست مصرف‌کننده برساند.

گروه «آبخیزداران» (مدیریت سیلاب و ذخیره آب)

حدود ۴۰۰ شهر و ۸ هزار روستای کشور ما در معرض سیل‌هایی هستند که سالانه اتفاق می‌افتد. خسارت‌های جانی و از بین رفتن محصولات کشاورزی، دام‌ها و کسب‌وکارهای مرتبط با کشاورزی از یک طرف و از دسترس خارج شدن و هدر رفتن آب از طرف دیگر، باعث می‌شود تا باران که یک نعمت الهی است، با مدیریت نشدن، به نعمت تبدیل شود. جالب آنجاست که محل وقوع سیلاب در مناطق مختلف کشور، تقریباً مشخص است.

شما می‌توانید با تشکیل گروه‌های کوچک جهادی با عنوان «آبخیزداران»، محلی را که در شهر یا روستایتان سیل از آنجا آغاز می‌شود، شناسایی کنید و با همفکری و همراه کردن مردم منطقه‌تان، راه حل کنترل و کاهش خسارت و همچنین ذخیره درست نعمت باران را برای استفاده در فصل‌های کم‌بارش، پیدا و عملیاتی کنید.

اگر اجرای راهکارها هزینه‌بردار بود، می‌توانید از خیرین و کمک همان مردمی استفاده کنید که سالانه هم سیل به ایشان خسارت می‌زند و هم در فصل‌های دیگر، آبی برای کشاورزی و دامداری ندارند.



گروه «یار مهربان» (ایجاد کتابخانه‌های تخصصی کشاورزی)

شما می‌توانید در گروه «یار مهربان»، در محله یا روستایتان که دسترسی کمتری به کتاب‌های آموزشی و انگیزشی مرتبط با کشاورزی و دامداری وجود دارد، یک کتابخانه کوچک آموزشی و ترویجی ایجاد کنید. این کتابخانه کوچک، ابتدا با کتاب‌هایی از هم‌محله‌ای‌ها و هم‌روستایی‌هایتان که کمتر استفاده می‌کنند، ایجاد می‌شود. در مرحله بعد، شما می‌توانید با کمک خیرین و اهالی محله، کتاب‌هایی را که مورد نیاز کشاورزان، دامداران و خانواده‌های آنان است (به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان)، از نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب و... تهیه کنید.

بخش دوم: بازاریابی هوشمند محصولات

گروه خیره «فروشگاه کشاورز» (تبلیغات رایگان برای محصولات محلی)

۸۰٪ کشاورزان توانایی بازاریابی دیجیتال ندارند و الان یکی از بهترین زمان‌ها برای این کمک بزرگ است؛ چراکه به دلیل نداشتن وقت کافی، مصرف‌کنندگان علاقه بالایی به خرید مجازی دارند. این گروه می‌تواند از مزارع و دامداری‌ها عکس و فیلم حرفه‌ای بگیرد و با راه‌انداختن یک کانال فروشگاهی مجازی، داستان تولیدکنندگان را روایت کند. بچه‌های مؤمن و امانت‌دار می‌توانند مدیریت مجازی و پیک‌های موتوری و خودرویی این کار را بر عهده بگیرند تا یک چرخه مستقیم تولید به مصرف ایجاد شود. شما می‌توانید در بین اقوام خودتان، این پیک‌ها را برای کمک به مادران شهدا، سالمندان و معلولین ایجاد نمایید.

بخش سوم: فناوری‌های ساده برای کشاورزی

گروه «پشتیبان آب» (کاهش هزینه‌های آبیاری)

هزینه‌های بالایی که برای اجرای طرح‌های آبیاری بارانی روی دست کشاورزان سنگینی می‌کند را گروه‌های کوچک مردمی می‌توانند با طرح‌های خلاقانه خود کاهش دهند. مثلاً ساخت سیستم آبیاری قطره‌ای با مواد بازیافتی می‌تواند به درمان کمبود آب که بزرگ‌ترین چالش کشاورزان است، کمک کند. تشکیل تیم‌های جمع‌آوری بطری‌های پلاستیکی بزرگ در محله و متصل کردن آن‌ها به یک سیستم آبیاری قطره‌ای، نمونه‌ای از این اقدامات است.



گروه تولیدی «کود جادویی» (تولید کود ارگانیک از پسماند خانگی)

روزانه در منازل ما پسماندهایی از غذا، نان، پوست میوه و... تولید می شود که می توان با آموزشی ساده، از آن ها یک کود ارگانیک و مفید تولید کرد. رفتن به مدارس، صحبت با دانش آموزان و گروه سازی از آن ها برای جمع آوری و کمک به تولید این کود، می تواند به این اقدام سرعت تحقق بیشتری ببخشد.



بخش چهارم: حمایت از دامداران

گروه «شیر مهربانی» (جلوگیری از هدررفت شیر)

جمع‌آوری و توزیع شیر مازاد دامداری‌ها که عموماً در بسیاری از دامداری‌ها به فاضلاب می‌ریزد! با تیمی که راه‌انداخته‌اید، می‌توانید شیر اضافه را از دامداران جمع‌آوری کنید و با کمک آشپزخانه‌های محلی و خانگی، آن را به پنیر و ماست تبدیل کرده و محصولات را برای بسته‌های معیشتی استفاده نمایید. یا شیرها را پس از استانداردسازی، بین خانواده‌های دارای فرزند کم‌توان به صورت رایگان توزیع نمایید.

گروه «تار و پود» (ایجاد چرخه تولید نخ محلی)

این گروه برای ساماندهی پشم گوسفندان و تبدیل آن‌ها با کمک خانواده‌های محلی به نخ و محصولات صنایع دستی تشکیل می‌شود. در بسیاری از نقاط کشور، شاهد خارج شدن پشم گوسفندان به استان دیگر برای تبدیل شدن به نخ و بازگشت به استان مبدأ هستیم. این چرخه باطل، باعث افزایش قیمت نخ و محصولات تولیدی از آن می‌شود.



فصل پنجم

کسب و کارهای ارزان، خلاق و گروهی

راهنمایی برای خلق کسب و کارهای محلی با کمترین سرمایه؛ از راه اندازی «اسنپ مهربانی» برای مغازه‌ها تا تبدیل زباله به کمپوست سودآور.

بخش اول: کسب و کارهای خدماتی محله محور

گروه «همسایه یاران هوشمند» (خدمات همه جانبه برای سالمندان و افراد پرکار)

۸۷٪ سالمندان برای کارهای روزانه (مانند خرید، دارو، تعمیرات جزئی) نیاز به کمک دارند و برای این موضوع، متحمل هزینه های بالایی می شوند. حالا اگر شما بتوانید با شناسایی توانمندی های فنی موجود در محله، به آموزش تعدادی از جوانان محله در عرصه های مورد نیاز اقدام کنید و با آنها گروه خیریه «کمک رسان و همسایه یاران هوشمند» را راه اندازی کنید، به کاهش هزینه های بسیاری از افراد کم توان جامعه کمک کرده اید. همچنین، آن جوانان با حرفه ای که فرا گرفته اند، می توانند برای خود درآمد داشته باشند. حتی شاید بتوان کاری کرد که همه خدمات ها به صورت رایگان ارائه نشود

و با تعیین حق عضویت ماهانه برای خانواده‌ها، به مجریان کار نیز کمک اقتصادی کرد.

گروه «اسنپ مهربانی» (پیک موتوری ارزان قیمت برای کسب و کارهای کوچک)

مغازه‌های محلی توانایی استخدام پیک دائمی ندارند. برای هر کار خیری، همیشه به یک نفر بانی و باعث نیاز داریم تا با کمک‌گیری از توان‌های آزاد ولی دغدغه‌مند، بتواند در ارائه خدمت به جامعه سرعت ایجاد کند. می‌توان با دوچرخه یا موتور شخصی، پیک‌رسانی را آسان کرد.

- ۱ نفر: با ۱ مغازه قرارداد می‌بندد (مثلاً ۵۰۰ تومان برای هر ارسال).
- ۱ نفر: نقشه بهینه‌سازی مسیرها را طراحی می‌کند.

گروه تخصصی «باغ اقتصادی» (رونق محلی)

این گروه به صورت تخصصی کارش شناسایی، جذب حمایت و برگزاری بازارچه‌های محلی ویژه است.

یک بازارچه هفت‌ساعته که ماهی یک‌بار، حیاتِ مسجد یا پارک را به «بازارچه محصولاتِ خانگی» تبدیل کنید. هر خانواده صنایع‌دستی، ترشیجات یا شیرینی‌های خانگی می‌آورد. حتی می‌توانید برای حمایت از سفارشات خانگی، تابلوی بزرگی در بازارچه نصب کنید.

روی کارت‌های رنگی، آدرس تولیدی‌های محلی را بنویسید:

«تعمیراتِ کفش: استاد علی - کوچه یکم»، «آموزش خیاطی: خانم کبیری - کوچه سوم».

این تابلو، شبکه اشتغالِ خردِ محله را زنده می‌کند.

بخش دوم: کسب و کارهای هنری و خلاقانه

گروه «دیوارنگاران شهری» (تبدیل دیوارهای خاکستری به بوم نقاشی)

بسیاری از دانشجویان عزیز دانشگاه هنر، در پی انجام پایان نامه‌ها و طرح‌های اجرایی خود، دنبال فضاهای مناسب می‌گردند. فقط کافی است شما با تشکیل یک گروه، به جذب این دانشجویها و مذاکره با شهرداری‌ها بپردازید تا هم یک اقدام در محله شما انجام شود و هم کار این دانشجویها راه بیفتد.

جالب‌تر اینکه شهرداری‌ها برای زیباسازی دیوارها هزینه می‌کنند، لذا شما متحمل هیچ هزینه‌ای نخواهید شد.

لازم به ذکر است حتی شما می‌توانید برای کسبه محله هم تبلیغ نمایید؛ بدین صورت که هزینه نقاشی توسط ایشان پرداخت شود و ذیل آن عکس، نام و آدرس کاسب محترم نوشته شود.

تعیین طرح‌های مورد نیاز و جذاب که باب میل و ذائقهٔ مردم باشد، مذاکره با مغازه‌داران برای تبلیغ محصولاتشان، تفاهم با شهرداری و انعکاس عکس «قبل و بعد» در فضای مجازی از اقدامات لازم می‌باشد.



بخش سوم: کسب و کارهای دیجیتال بدون نیاز به تخصص

گروه «تبلیغ سازان محله» (تبلیغات ویدیویی ارزان برای مغازه‌ها)

مغازه‌داران نمی‌دانند چطور برای فضاهای مجازی می‌شود تولید محتوای جذاب کرد تا باعث افزایش فروش و اعتماد بین مردم شود. می‌شود با کمک چند نفر یک گروه ایجاد کنید و در یکی از شبکه‌های اجتماعی، گروهی را راه‌اندازی نمایید و با گرفتن عکس و فیلم از محصولات و خود فرد کاسب، برای ایشان تبلیغ نمایید و مغازه‌دار بابت آن به شما هزینه یا جنس تحویل دهد.

- ۱ نفر: با موبایل از محصولات فیلم می‌گیرد.

- ۱ نفر: با «کپ‌کات» (نرم‌افزار رایگان) ویدیوهای ۱۵ ثانیه‌ای می‌سازد.

- ۱ نفر: متن تبلیغاتی می‌نویسد.

- ۱ نفر: هفته‌ای ۳ پست در پیج مغازه آپلود می‌کند.

مدل درآمدی: اشتراک ماهانه ۳۰۰ هزار تومان برای ۳ پست در هفته.

گروه «صداتم» (ترجمه فوری صوتی برای کسبه)

ترجمه فوری صوتی برای کمک به کسبه‌ای که در مناطقی کسب و کار دارند که محل حضور مسافران خارجی است. در بعضی مناطق گردشگری مثل اصفهان یا شیراز، مغازه‌داران زبان بلد نیستند و این امر، کسب و کار آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. اگر کسانی را می‌شناسید که به زبان‌های خارجی تسلط دارند، می‌توانید با هم این گروه را راه‌اندازی کنید و به کمک کسبه محترم بشتابید. چند نفر که زبان انگلیسی / چینی و... را در سطح پایه بلدند، پیدا کنید و ایشان را با دغدغه کمک‌رسانی به کاسبان آشنا کنید تا قبول کنند خیلی با نگاه اقتصادی به این موضوع نگاه نکنند. بعد با رستوران‌ها و فروشگاه‌ها قرارداد می‌بندید و شماره تماس گروه را به عنوان «مترجم فوری» روی در مغازه می‌چسبانید و از طریق تماس صوتی یا تصویری، نیازها را ترجمه می‌کنید. برای درآمدزایی می‌توانید مبالغی را با افراد توافق کنید.

بخش چهارم: کسب و کارهای بازیافتی و سبز

گروه «کمپوست سازان حرفه‌ای» (تبدیل زباله‌تر به کود)

هر کیلو کمپوست با کیفیت با قیمت خوبی به فروش می‌رود. مواد خوراکی زیادی در خانه‌ها امکان وارد شدن به چرخه بازیافت را دارند، اما به دلیل نبود زیرساخت، پیگیری و اساساً بانی برای انجام این کار، متأسفانه همان مواد غذایی که امکان وارد شدن به چرخه مصرف دام را دارند، به زباله‌دان‌ها می‌روند. اگر شما با چند نفر از دوستانتان با رستوران‌ها و میوه‌فروشی‌ها صحبت کنید تا پسماندهای غذایی خود را جمع کنند، سپس فرایند کمپوست‌سازی را در مکانی مناسب مثل باغ یا زمین خالی مدیریت کنید و برای فروش آن به باغداران منطقه اطلاع‌رسانی کنید که کود را می‌توانند با قیمتی مناسب‌تر از بیرون از شما تهیه کنند و در فضای مجازی تبلیغ مناسبی را انجام دهید، درآمد خوبی می‌توانید داشته باشید.

فصل ششم

گروه‌های قرض الحسنه

قرض الحسنه به پول محدود نمی‌شود. این مفهوم در فرهنگ اسلامی و ایرانی ریشه‌دار است و می‌تواند در قالب‌های غیرمالی، خلاقانه و جامعه‌ساز تجلی پیدا کند.

بخش اول: قرض الحسنه‌های تولیدمحور

۱. قرض ابزارکار: قرض چرخ خیاطی، ابزار نجاری، جوشکاری، کشاورزی، مکانیکی و از این قبیل برای حمایت از اشتغال خرد یا رفع نیاز موقت.
۲. قرض فضای کار: اختصاص ساعت خالی مغازه یا کارگاه به جوانان برای تولید.
۳. قرض الحسنه اشتغال‌زایی خرد: اعطای وام برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک خانگی یا حتی قرض مواد اولیه و نهاده‌های تولید. هدف این صندوق، کمک به راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکارهای خرد است. بازپرداخت معمولاً پس از شروع درآمدزایی انجام می‌شود.
۴. قرض الحسنه ویژه کشاورزی و دامپروری خرد: جهت تأمین اعتبار برای خرید بذر، کود، دام، طیور یا تجهیزات ساده. مثل «قرض کندوی زنبور»،

«بذر قرضی» یا «دام قرضی». به این صورت که کندوی زنبور عسل را به یک نفر برای یک سال قرض می‌دهید و در پایان، وجه یا عین آن را پس می‌گیرید.



بخش دوم: قرض الحسنه‌های تخصصی و حمایتی

صندوق قرض الحسنه دانش آموزی

دانش آموزان می‌توانند پول‌های اضافه خود را در صندوقی جمع کرده و برای تأمین نیازهای آموزشی به همکلاسی‌های خود قرض دهند. این امکان می‌تواند با هماهنگی مدیر مدرسه باشد تا در صورت عدم تسویه، پرونده دانش آموز پس از اتمام تحصیل تحویل داده شود.

قرض الحسنه تخصصی سلامت

تمرکز بر کمک به افراد برای تأمین هزینه های درمانی فوری و یا قرض تجهیزات پزشکی.

این صندوق با هدف تأمین فوری هزینه های پزشکی و درمانی نیازمندان ایجاد می شود. ویژگی متمایز آن سرعت در پرداخت وام و اولویت دهی به موارد اورژانسی است. اهمیت این مدل در نجات جان بیماران و پیشگیری از فروش دارایی های خانواده های کم بضاعت برای درمان می باشد. این صندوق ها اغلب در بیمارستان ها و مراکز درمانی فعال هستند.

قرض الحسنهٔ تحصیل

وام برای هزینه‌های آموزشی از شهریه تا تجهیزات آموزشی هم دانش آموزان کم‌درآمد و هم برای استعداد های درخشان و ممتاز .

هدف این صندوق حمایت از دانش آموزان و دانشجویان مستعد کم‌بضاعت است. ویژگی اصلی آن تأمین هزینه‌های آموزشی از شهریه تا لوازم التحریر و کتب درسی می‌باشد. اهمیت این مدل در ایجاد فرصت برابر آموزشی و جلوگیری از ترک تحصیل به دلایل مالی است. بازپرداخت وام‌ها معمولاً پس از فارغ‌التحصیلی و اشتغال آغاز می‌شود.

صندوق قرض الحسنه جهيزيه و ازدواج

کمک به تهیه لوازم اولیه زندگی برای زوج‌های جوان با شرایط بازپرداخت آسان و بلندمدت.

شروع یک زندگی مشترک، یکی از زیباترین اتفاقات در هر محله است، اما گاهی دیوار بلند هزینه‌ها، شیرینی این آغاز را تلخ می‌کند. این صندوق، نردبانی است که ما با هم می‌سازیم تا زوج‌های جوان از این دیوار عبور کنند. هدف، خرید جهیزیه‌های سنگین نیست؛ هدف، تأمین همان چند وسیله ضروری است که یک خانه را گرم می‌کند: یک یخچال ساده، یک اجاق گاز، یا فرش که زیرپایشان پهن می‌شود. با این کار، ما به یک زوج جوان کمک نمی‌کنیم که فقط وسایل بخرند؛ به آن‌ها دلگرمی می‌دهیم و می‌گوییم: «شما دارید این شروع تنها نیستید، محله پشت شماست.»

صندوق قرض الحسنه مسکن

یک خانه تازه با هزاران رویای مشترک آغاز می‌شود، اما گاهی ترس از نداشتن حداقل‌ها، این شیرینی را تهدید می‌کند. اینجا نقش شما و چند دوست صمیمی‌تان آغاز می‌شود؛ شما روی عشق سرمایه‌گذاری می‌کنید و به یک زوج جوان می‌گویید: «ما سنگِ اولین پایه‌های زندگی‌تان هستیم، نه سنگینی بار قرض.»

فقط کافیست چند نفر باشید تا این پیمان اجتماعی کوچک را راه بیندازید و چرخ مهربانی را بچرخانید. پولی که شما می‌دهید، به جیب کسی نمی‌رود؛ تبدیل می‌شود به یک اجاق گاز برای پختن اولین غذای مشترک، به یک یخچال برای نگهداری شادی‌هایشان و به گرمای خانه‌ای که با آرامش یک شروع تازه جان می‌گیرد.

صندوق قرض الحسنه زیارت و سفر

گاهی یک سفر زیارتی می‌تواند جان دوباره به روحی خسته ببخشد. گاهی یک سفر درمانی می‌تواند جسمی را نجات دهد. و گاهی یک سفر سیاحتی می‌تواند چشم‌ها را به روی زیبایی‌های دنیا باز کند. اما برای بسیاری، این سفرها فقط یک رویای دست‌نیافتنی است.

شما به کسی که سال‌هاست آرزوی سفر به مشهد را در دل دارد، می‌گویید: «ما می‌خواهیم در اولین سفر زیارتی تو سهیم باشیم.» به کسی که برای درمانش نیاز به سفر دارد، امید می‌بخشید.

کافیست چند نفر باشید تا این صندوق را راه بیندازید. یک پیمان انسانی بین شما که قرار است دست‌هایتان را به هم بدهید و راه سفر را برای یکدیگر هموار کنید.

امیدوارم با استفاده از فرصت‌ها و استمرار در اقدام، پیگیری و فعالیت لحظه به لحظه و پی در پی، بتوانی با ایجاد یک حرکت عمومی در راستای جامعه‌پردازی، به سمت تمدن نوین اسلامی گام‌های مؤثری برداری.

کتاب پیشنهادی جهت مطالعه



جهت دانلود نسخه الکترونیک
رمزینه را اسکن فرمایید

